

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : ش . حمید
27 اپریل 2013 (7 ثور 1392)
شعر از چاووش

زادروزِ فاجعه

(به مناسبت سیاهروز هفت ثور)

فروغ دیده ات ای روز! سخت خاموش است
که دودِ آتش و باروت آسمانت را
ز ابر تیره بیاکنده است

تو زادروزِ زنازادگانِ فاجعه ای
درونِ دیده تو برقِ زندگی مرده ست
و در نگاه تو گلها نرسته افسرده ست

نگاهِ سردِ تو بارِ دگر نمایان شد
و شوم منظر تو
به زخمِ سینه پُردردِ ما نمک پاشید
که رهنان و جهانخوارگانِ جنگ افروز

درین جزیره محشر به ضربِ خنجرِ کین
گلو بریده، گلو! کاروانِ انسان را
درین جزیره محشر که روزگارانی
ز خاکِ بارورش روحِ زندگی می‌رُست

نگاه کن، ای روز!
سپاهِ مرگ درونِ جزیره عصیان
برای کشتن انسان چه گونه میتازد
به اوجگاهِ غرور آفرینِ آزادی
چریکِ رزم آور
درین نبردِ رهائی چه چاره میسازد!
چو کلکها همه بر روی ماشه ها لغزند
نهیبِ تیرِ سراید سرودِ رستاخیز
غریوِ رگبارش
به پهنه های ستیز
پیامِ مرگ به گوشِ مُهاجمان خواند

نمودِ چهره ات ای روزِ شبنهادِ سیاه
غروبِ آزادی ست
و از کمینِ تو خونبارگانِ آدمخوار
در آشیانِ عُقابان هجوم آوردند
نواي رجز به گوشِ دلاوران خواندند

حرامزاده بدنام

شناسنامه ننگین تابعیت را
که واژه واژه آن نفس ننگ و نفرین است
به ارمغان آورد
و دست فتنه او پرچم اسارت را
فراز شهر جوانمرگان
به اهتزاز آورد

درین نبرد پُر از کُشت و خونِ آزادی
صدای غلغله نعره های رُعب انگیز
که از گلوی هزاران چریک برخیزد
خروشِ آزادی ست

درین نبرد، نبردآورانِ پُرسوالت
به خونِ خویش نوشتند بر کتیبه یاد
سرودِ مصرعِ حماسه های جاویدان
و آفتابِ ظلمسوز صبح پیروزی
غروبِ کینه سگالان را
پیام می آرد

و اشکبارۀ خون
به جامِ لاله بریزد شرابِ نوروزی

نگاه کن، ای روز!
به چشمِ مادرِ مردآفرین میهن ما
که هر کفِ سنگش

چه گونه شد سنگر!

کجاست، میهن! آن آرشِ کمانداریت
کجاست، میهن! آن گردِ نامبرداریت
که تیرِ آرش، مرز ترا دوباره کشد
ز برقِ تیرش! اُسْطوره ها شراره کشد
